گزارش

وحدت در سایه قرآن و عترت

آیین اختتامیه چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن و عترت مشهد با حضور مردم برگزار شد

عکس: حسین شریعت | شهرآرا

غلامرضا زوزنی| هوای کوهستانی انتهای خیابان وکیل‌آباد دم‌دمه‌های غروب با نسیمی که از روان‌آب پارک چهل‌بازه بلند می‌شود، پاتوق خوبی برای آن‌هایی است که دوست دارند افطاری را در فضای باز صرف کنند؛ مثل زن و شوهری که به‌همراه پسر و دخترشان به محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی مشهد آمده‌اند و هم از هوا لذت می‌برند و هم از نمایشگاه قرآن و عترت دیدن می‌کنند. بعضی‌ها هم اولین دقایق بعد از اذان مغرب، خودشان را به نمایشگاه رسانده‌اند بی‌آنکه بندوبساط و فرش و زیراندازی همراه داشته باشند. غرفه‌دارها در آخرین ساعت‌های کار چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن و عترت مشهد هرچه در چنته دارند، رو کرده‌اند. دو،سه ساعت مانده بود به پایان روز دوشنبه، سی‌ام اردیبهشت ۹۸ و بازدیدکننده‌ها همین اندازه وقت داشتند که از نمایشگاه دیدن کنند.

دقایقی قبل از برگزاری اختتامیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن و عترت مشهد، گشتی در غرفه‌ها زدم و بعد هم به مراسم اختتامیه رفتم تا در مراسم تقدیر از بهترین غرفه‌ها که با حضور مدیرکل اطلاعات خراسان رضوی، علیرضا رزم‌حسینی استاندار خراسان رضوی، جعفر مروارید مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، سیدمصباح عاملی مدیر حوزه‌های علمیه خراسان، علی‌اکبر سبزیان مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان خراسان رضوی و جمعی از علاقه‌مندان برگزار می‌شد، شرکت کنم. در ادامه گزارشی از حال‌وهوای لحظات پایانی نمایشگاه و مراسم اختتامیه این رویداد فرهنگی را می‌خوانید.

● تغییر در نگرش

چند دقیقه‌ای بیشتر از اذان مغرب نگذشته بود و نمایشگاه به حالت نیمه‌تعطیل درآمده بود. همه جمعیتی که در نمایشگاه بودند، فرقی نمی‌کرد که بازدیدکننده هستند یا غرفه‌دار، مشغول اقامه نماز و صرف افطار بودند. تقریبا غرفه‌ای نبود که سفره افطاری پهن نکرده باشد. در فضای باز نمایشگاه هم تقریبا هر جای دنجی که بود، چند نفری برای صرف افطار نشسته بودند. دقایقی بعد ورودی‌های سالن‌های نمایشگاه جمعیت زیادی را به خود می‌دید. از هر غرفه نوایی بلند بود و خیل کودکانی که با بادکنک‌های رنگی و صورت‌های نقاشی‌شده داخل راهروهای نمایشگاه به بازی مشغول بودند، جلب توجه می‌کرد. دورهمی‌ها و جلسات گفت‌وگو پس از افطار روزه‌داران جان دوباره می‌گرفت و همهمه، سالن‌ها را پر می‌کرد.

ساعت حدود ۱۱:۳۰ شب بود و با اینکه مراسم اختتامیه تمام شده بود و خیلی از غرفه‌ها بساطشان را جمع کرده بودند، هنوز غرفه‌های مربوط به عرضه محصولات عفاف و حجاب پر از جمعیت و بازدیدکننده بود. غرفه‌هایی هم از سایر شهرهای کشور برپا بود که غذا و خوراکی متناسب با ماه مبارک رمضان عرضه می‌کردند. غرفه‌های بازی کودکان و نوجوانان هم -که چند سالن از نمایشگاه را به خود اختصاص داده بودند- از دیگر نقاط پرتردد و پرهمهمه نمایشگاه تا لحظات پایانی بود؛ غرفه‌هایی که با در اختیار قرار دادن کاغذ رنگی، قیچی و چسب به مراجعه‌کننده‌هایشان، از آن‌ها می‌خواستند تا یکی از قصص قرآن را کولاژ (چسبانه‌کاری) کنند یا غرفه‌هایی که ابزاری برای نقاشی و بازی‌های فکری می‌دادند و غرفه‌هایی که صنایع دستی با محوریت قرآنی داشتند.

درمیان همه ۷۰۰ غرفه‌ای که به چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن و عترت مشهد اختصاص داده شده بود، در واگذاری به مراکزی که خدمات و محصولات دانش‌بنیان قرآنی ارائه کرده بودند، توجه شده بود. این‌طور می‌شود گفت که ویترین‌ها جای خودشان را به صندلی‌ها و میزگردها و فضاهای گفت‌وگو داده بودند. از همین منظر می‌توان گفت این دوره شاهد برپایی یک نمایشگاه بودیم تا یک فروشگاه محصولات قرآنی. در تایید همین موضوع جعفر مروارید، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، هم در خلال بازدید از نمایشگاه، ضمن تشکر از حمایت‌های شهردار مشهد در برگزاری نمایشگاه قرآن و عترت، تغییر نگرش در این نمایشگاه را محصول تغییر توقع جامعه و تحولات اجتماعی دانست و گفت: در اثر گسترش نیاز به آموزه‌های قرآن کریم در جامعه، مطالعات در این حوزه نیز به تولید محصولات فرهنگی، هنری و آموزشی تبدیل شده است. در این دوره از نمایشگاه سعی شده است به مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که با اتکا به قرآن صورت می‌پذیرد، توجه شود.

● نمایشگاه ظهور معنویت و همدلی

در مراسم اختتامیه که در سالن همایش نمایشگاه دائمی و بین‌المللی مشهد برگزار شد، ابتدا مروارید، مدیرکل ارشاد استان، گزارشی از چهاردهمین نمایشگاه قرآن و عترت ارائه کرد. او برپایی نمایشگاه قرآن را ظهور معنویت و همدلی در مشهد توصیف کرد و گفت: رویکرد بین‌المللی، فضای متنوع و توجه به جامعیت قرآن از ویژگی‌های این دوره بود. در برگزاری این نمایشگاه تلاش کردیم تجربه معنوی همراه با تجربه‌های فرهنگی در زیر سایه قرآن برای زائران و مجاوران مشهدی فراهم آید. به همین منظور ۲۰ کشور اسلامی با حضور خود در این نمایشگاه، مدل‌های متنوع روزه‌داری و آداب و رسوم ماه مبارک رمضان را در ملل خود به بازدیدکنندگان نشان دادند. همچنین دانشگاه‌های مشهد با حضور خود در بخش فرهنگی، در کنار حوزه‌های علمیه، ما را در دستیابی به ایده «دانشگاه و حوزه برای جامعه و برای زندگی با سبک ایرانی اسلامی» یاری رساندند.

● قرآن برای همه نسل‌ها و عصرها

در ادامه استاندار خراسان رضوی، مشهد را بایسته و شایسته برپایی نمایشگاه قرآن و عترت خواند و از برگزاری آن ابراز رضایت کرد. علیرضا رزم‌حسینی هدف از برگزاری نمایشگاه‌هایی از این دست را دستیابی به معرفت قرآنی دانست و گفت: قرآن تکمیل‌کننده همه کتب و ادیان است و قصد دارد انسان را به کمال برساند. آموزه‌های قرآن کریم هادی خوبی برای همه نسل‌ها و عصرهاست و به‌خوبی می‌تواند میان انسان و طبیعت، زندگی و روابطش با انسان‌های دیگر، توازن و تعادل برقرار کند. استاندار خراسان رضوی برای ورود بیش از پیش قرآن به زندگی مردم، اظهار امیدواری کرد و همچنین توجه نسل جوان و پیشرو کشور را به کلام وحی، نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی دانست: «برای رسیدن به این هدف، نباید از فضای مجازی غافل شد. فضای مجازی و فناوری می‌تواند به ترویج مفاهیم و معارف اسلامی کمک کند.»

● تقدیر از برترین‌ها

مراسم اختتامیه چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن و عترت مشهد که به‌طور زنده از شبکه استانی نیز پخش می‌شد، با رونمایی از یک تابلوی خوش‌نویسی‌شده از آیات قرآن به‌دست فرهاد شیرخوانی، ادامه پیدا کرد و بعد از آن هم غرفه‌های برتر در هر بخش معرفی شدند. در بخش حوزه علمیه از «مدرسه علمیه آیت‌ا... عاملی»، در بخش کودک و نوجوان از غرفه «آموزش‌وپرورش»، در بخش بین‌الملل از غرفه «جامعه‌المصطفی العالمیه»، در بخش عفاف و حجاب از غرفه «موسسه مطالعات راهبردی» و «غرفه پوشش اسلامی»، در بخش ناشران داخلی از غرفه «به‌نشر»، در بخش رسانه‌های قرآنی از خبرگزاری‌های ایکنا و ایسنا، در بخش هنری از غرفه «کتابت و خوش‌نویسی قرآن کریم»، در بخش موسسات قرآنی از غرفه «موسسه فراگستر دین»، در بخش نشر دیجیتال از غرفه موسسه «خاتم توس»، در بخش ناشران خارجی از انتشارات «مجمع جهانی اهل بیت(ع)» و در بخش تشکل‌های مردمی از غرفه «کانون فرهنگی و هنری مساجد استان» تقدیر شد. در پایان مراسم، محموله‌ای از اقلام و محصولات فرهنگی که اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان فراهم کرده بود، راهی مناطق سیل‌زده استان گلستان شد.

گزارش

عاشورا در قاب هنر

مراسم تقدیر از برگزیدگان پنجمین جشنواره نگاه عاشورایی برگزار شد

بهار احمدی| جشنواره نگاه عاشورایی با رویکرد حماسه حسینی و انسان معاصر، پنجمین دوره خود را با هدف بهره گیری از زبان هنر برای معرفی فرهنگ والای عاشورایی در سه بخش عکاسی، معماری (المان شهری) و نقاشی و همچنین بخش ویژه (طراحی ایستگاه های صلواتی امام حسین(ع)) با موضوعات عزاداری های عاشورایی، نگاهی نوین به حماسه حسینی و جلوه های فرهنگ عاشورایی (دیدگاه ها و برداشت های تازه از حماسه عاشورا) برگزار می کند. در این جشنواره که موسسه آموزش عالی فردوس با کمک شهرداری و سازمان میراث فرهنگی برپا کرده است، دوشنبه ۳۰ اردیبهشت در سالن اجتماعات موزه بزرگ خراسان، از نفرات برتر پنجمین دوره جشنواره ملی نگاه عاشورایی تقدیر شد. تقدیری که پیش از به پایان رسیدن جشنواره صورت گرفت و یک اقدام خلاف رویه مرسوم جشنواره‌های هنری محسوب می‌شد.

در این مراسم که با حدود یک ساعت‌ونیم تاخیر برگزار شد، هاشم جلیلی، رئیس جشنواره نگاه عاشورایی، هدف از برگزاری این جشنواره را ترویج فرهنگ عاشورایی در بین جوانان و دانشجویان با بهره گیری از زبان هنر خواند: «آنچه از واقعه عاشورا به ذهن می آید، معمولا حزن واندوه و ظلم‌های آن است و به زیبایی‌های آن مانند تسلیم دربرابر حق و ولایت پذیری پرداخته نشده است. ما در این جشنواره به این امر توجه کردیم تا به جنبه های زیباشناسانه عاشورا بپردازیم و از آن روست که نام آن را از سوگواره به جشنواره تغییر دادیم.» به گفته جلیلی، در پنجمین دوره این جشنواره، هنر نقاشی هم اضافه شده است و بناست در جشنواره سال‌های آینده به گرافیک و موسیقی عاشورایی نیز برای تبیین فرهنگ عاشورا توجه شود.

در ادامه، سعید اصفهانیان، دبیر علمی ستاد علمی و معرفتی اربعین کشور، حمایت از برپایی چنین جشنواره‌ای را عمل به توصیه امام عصر(عج) برای زنده نگه‌داشتن نگاه حسینی در ابعاد مختلف زندگی دانست. او با تاکید بر اهمیت سرزمین مهدویت برای خلق آثار هنری با رویکرد حسینی گفت: امیدواریم این نمایشگاه، جریان‌ساز ذائقه‌های مختلف هنری باشد تا در اتمسفر جهانی، افق‌های تازه‌ای از اسلام، مهدویت و حماسه حسینی را پیش روی جهانیان بگشاید. در پایان، از سه برگزیده و یک شایسته تقدیر هر رشته یعنی عکاسی (دوربین حرفه‌ای و موبایل)، نقاشی و معماری (المان‌های شهری) تقدیر و تشکر شد و این افراد جوایزی را از دست هیئت داوران دریافت کردند.

پنجمین جشنواره نگاه عاشورایی تا پنجشنبه ۲خرداد در ساعت‌های ۱۰ تا ۱۳ و ۱۸ تا ۲۳ در بوستان کوهسنگی، تالار چهارسوق هنر، نگارخانه استاد حسین ترمه‌چی برای بازدید علاقه‌مندان دایر است.

روزبه
به روزترین مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناسی در مشهد
مرکز خدمات مشاوره و روانشناختی
روزبه
دکتر حمیدرضا پوریوسف
دکتر حسین فکوری
● مرکز مشاوره روزبه توانسته است
با کادری مجرب و متخصص
در حوزه‌های مشاوره‌های طلاق و پیش از ازدواج
گام‌های مؤثری بردارد.

زُهیر موسوی- تحولات بی‌حدوحصر در بنیان‌های جوامع که بر اثر حرکت از دوران گذار به سمت زندگی ماشینی و صنعتی رخ داده، به پدید آمدن شکاف‌هایی منجر شده که انسان‌های امروز را ناگزیر از همنواسازی خود با شرایط جدید کرده است. در چنین فضایی، بحران‌هایی پیش روی افراد پدید می‌آید که اگر متوقف نشود، دنیای روحی-روانی آن‌ها را متلاطم می‌سازد. آسیب‌های اجتماعی و روحی-روانی از جمله طلاق، اعتیاد، خودکشی، مشکلات تحصیلی، اختلافات خانوادگی، نارضایتی شغلی، اضطراب، افسردگی و ... محصول تحولات زندگی صنعتی هستند.

سوال مهم این است که در کنار توسعه شگفت‌انگیز علوم و فنون، دانش امروز چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی بحران‌های روحی-روانی انسان‌ها باشد، بحران‌هایی که متعاقب پیشرفت علوم و فناوری بر انسان‌ها رخ نموده است. در پاسخ به این سوال، علم «مشاوره و روان‌شناسی» قد علم می‌کند.

اگرچه مشاوره در همه جوامع بشری مطرح است و انسان‌ها به نوعی خود را محتاج مشاوره با دیگران دانسته‌اند، امروزه به سبب ویژگی‌های خاص خود، ضرورت توجه به مشاوره در دنیای کنونی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است به‌گونه‌ای که در کنار تخصصی شدن علوم، مشاوره نیز به صورت یک علم حیاتی درآمده است.

در شهر مشهد این روزها مرکز مشاوره روزبه نقشی مهم و محوری در کاهش تنش‌ها بین اعضای خانواده‌ها و حتی کاهش تعداد طلاق ایفا کرده است، مرکزی که می‌توان آن را حرفه‌ای‌ترین و خاص‌ترین مرکز شهر مشهد دانست، مرکزی که توانسته است با حضور روان‌شناسان و متخصصان حرفه‌ای و مطرح اعصاب و روان، و همچنین دریافت مجوز از سازمان نظام روان‌شناسی و بهزیستی، توجه شهروندان مشهدی را به خود جلب کند.

بر همین اساس، مصاحبه‌ای با دکتر حسین فکوری، یکی از مشاوران مطرح این شهر و همچنین مسئول فنی مرکز مشاوره روزبه، داشتیم و از وی خواستیم ابتدا درباره این مرکز به ما توضیح دهد. ایشان هم در پاسخ گفت: کلینیک روان‌شناسی روزبه با در نظر داشتن وضعیت امروز جامعه و با هدف ارتقای سلامت روان، با ارائه خدماتی درزمینه مشاوره خانواده، مشاوره ازدواج، مشاوره قبل از طلاق، کارگاه‌های آموزشی، روان‌شناسی بالینی، نوروتراپی و مددکاری با کادری مجرب، متخصص و ماهر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی در خدمت شهروندان مشهدی است.

وی به مجوزهای تخصصی این مرکز از سازمان نظام روان‌شناسی و بهزیستی اشاره کرد. بعد به جزئیات خدمات کلینیک روزبه پرداخت و ادامه داد: در حوزه روان پزشکی بیماری که به تجویز دارو نیاز دارد در اینجا حضور پیدا می‌کند و زیر نظر متخصصان مورد درمان قرار می‌گیرد. از طرفی، یکی دیگر از خدمات ما نوروتراپی زیر نظر متخصص این حوزه است.

وی با بیان اینکه این دستگاه هیچ ضرری برای افراد ندارد و تنها سبب ریلکس‌تر شدن آن‌ها می‌شود تصریح کرد: فرد زمانی که دچار اختلالاتی چون نقص توجه، اضطراب، افسردگی، مشکلات خواب و نقایص شناختی می‌شود می‌تواند با این روش بهبود یابد.

مشاوره قبل از ازدواج را جدی بگیرید

آقای دکتر در ادامه به موضوع مشاوره قبل از ازدواج پرداخت و گفت: مشاوره قبل از ازدواج می‌تواند احتمال طلاق را به زیر صفر برساند. در واقع، از معضلات قرن حاضر پدیده طلاق است. همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، میزان طلاق در تمام جوامع رو به افزایش دارد و این معضل گریبان بسیاری از جوانان را گرفته است یا خواهد گرفت، اما برای پیش‌گیری از آن آن‌گونه که بایسته است اقدام لازم از سوی زوجین یا خانواده‌ها انجام نمی‌گیرد و غالبا بعد از بروز مشکل خانواده‌ها به فکر چاره برمی‌آیند که گاه نوش‌داروی پس از مرگ سهراب است.

زندگی دوباره برای ۱۷ درصد مخاطبان

از وی درباره مشاوره طلاق هم پرسیدیم که دل پری از این روزهای جامعه داشت و گفت: در جلسات مشاوره ازدواج ۵ جلسه برگزار خواهد شد که ۳ جلسه مشاوره روان‌شناسی، یک جلسه حقوقی و یک جلسه مشاوره مددکاری خواهد بود و خوشبختانه ۱۷ درصد از افرادی که برای مشاوره به مرکز روزبه مراجعه کرده‌اند از طلاق منصرف شده‌اند و این آمار برای ما بسیار ارزشمند است. از طرفی هم افرادی از ما عدم سازش دریافت کرده بودند اما با حضور در کارگاه‌های آموزشی ما از ادامه روند دادگاه برای طلاق دوری کردند که این‌ها در این آمار هفده‌درصدی قرار ندارند.

خیانت زوجین، بیشترین دلیل طلاق

وقتی از دکتر فکوری درباره بیشترین دلایل طلاق افراد مراجعه‌کننده به این مرکز پرسیدیم جواب دور از انتظاری شنیدیم. وی بیان کرد: حدود ۵۰ درصد از مراجعه کنندگان منجر به طلاق ما در ارتباط با خیانت‌های زوجین به یکدیگر است. ما هم بر همین اساس درمان اختلال مربوط به خیانت‌های زناشویی را در این مرکز راه‌اندازی کردیم.

وی درباره دلیل خیانت‌های زناشویی نیز گفت: زیرساخت‌های این خیانت‌ها مادی است. وقتی مردی نمی‌تواند احتیاجات معقول یک زن را برآورده کند زن هم با کمترین توجه مرد دیگر به طرف جنس مخالف کشیده می‌شود. از طرفی، مردی که برای نان شب مانده است، از نظر جنسی نیز نمی‌تواند توجه زیادی به همسر خود داشته باشد.

نقش تحصیلات در طلاق

فکوری با بیان اینکه هرچه زوجین تحصیلات کمتری داشته باشند آمار طلاق نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد تصریح کرد: یک مقدار از علل طلاق نیز به دلیل مسائل فرهنگی است. البته ذکر این نکته هم ضرور است که واقعا طلاق به صورت صددرصد پدیده بدی نیست زیرا در گذشته شاید یک زن مجبور بود تا ۵۰ سال با یک مرد که دست بزن دارد و برخورد مناسبی با وی ندارد بسازد اما امروز زنان به‌واسطه حتی همین فضای مجازی، با حقوق خود آشنا شده‌اند. البته درصدی از خیانت‌های جنسی هم می‌تواند برگرفته از ماهواره‌ها باشد.

فکوری در ادامه از ما می‌خواهد سری هم به کارگاه آموزشی وی بزنیم، کارگاه‌هایی با موضوعات مختلف برای مدیریت خشم و اضطراب به‌ویژه مهارت «نه» گفتن. به عقیده وی، امروز بیشتر افرادی که در زندان‌ها هستند به این دلیل است که قدرت «نه» گفتن نداشته‌اند و این کارگاه‌های آموزشی یکی از اقدامات پررنگ ما برای جلوگیری از مشکلات افراد در آینده است.

وی اضافه کرد: هدف از برگزاری این کلاس‌ها این است که بتوانیم در یک جمع صمیمی و دردآشنا مشکلات آن‌ها را به حداقل کاهش دهیم به‌خصوص در شرایط فعلی جامعه مشکلات زناشویی افزایش یافته است و ما به دنبال کاهش و به حداقل رساندن آن هستیم.

ارتباط با روزبه

از دکتر فکوری پرسیدیم چگونه امکان دارد شهروندان مشهدی با این مرکز مشاوره در ارتباط باشند. وی هم گفت: اینکه بتوانیم به مردم این شهر خدمت کنیم برای ما توفیق بزرگی است و شهروندان می‌توانند از طریق کانال تلگرام به نشانی dr_h_fakoori و همچنین آدرس اینستاگرام ما از طریق dr_fakoori با ما در ارتباط باشند. تارنمای ما نیز www.drfakoori.com است. البته شهروندان می‌توانند به صورت حضوری به مرکز روزبه در بین وکیل‌آباد ۳۵ و ۳۷ جنب بانک صادرات مراجعه کنند. همچنین با تلفن ثابت ۶۰-۳۸۹۰۵۵۵۷ در خدمت آن‌ها هستیم.

رویداد

محفل انس

روایت برخی از شاعران خراسان از دیدار رهبر معظم انقلاب با اهالی شعر و ادب فارسی

گروه ادبیات و اندیشه| به رسم هر سال، در این ماه رمضان نیز شب ولادت باسعادت کریم اهل‌بیت حضرت امام حسن مجتبی(ع) همزمان شد با دیدار جمعی از استادان زبان و ادب پارسی و شاعران جوان و پیش‌کسوت با حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی. در این دیدار، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای حرکت و پیشرفت جریان شعر انقلاب را از لحاظ مضمون، نوآوری در مضامین و صیقل‌یافتگی الفاظ امیدوارکننده دانستند. ایشان بیان و پدیده شعر را از معجزات آفرینش خواندند و در بخشی دیگر از سخنان خود، به یک مغالطه ناشیانه اشاره کردند که شعر را به «شعر هنری» و «شعر متعهد» تقسیم می‌کند. رهبر انقلاب همچنین به حفظ هویت ملت، نگران‌کننده بودن وضعیت زبان فارسی، گله‌مندی خود از صداوسیما در این باره و... پرداختند. در این دیدار ۲۹ تن از شاعران جوان و پیش‌کسوت اشعار خود را در حضور رهبر انقلاب اسلامی قرائت کردند. در ادامه این رخداد، به سراغ برخی شاعران مشهدی و خراسانی حاضر در برنامه رفتیم و دیدارشان با رهبر انقلاب را از زبان آن‌ها جویا شدیم.

● تأکید رهبر انقلاب بر حکمت در شعر

دفعه چهارمی بود که در این جلسه شرکت می‌کردم. چیزی که بیشتر از آخرین باری که حضور داشتم به چشم می‌آمد، حوصله رهبر انقلاب برای شنیدن شعر بود. خودشان اصرار داشتند که بشنوند و چون بیشتر جوانان حاضر بودند احساس می‌کنم ایشان سر ذوق آمده بودند. اما می‌خواهم پیشنهادی راجع به این جلسه بدهم. به نظر من باید بخش کاملی را به اهدای کتاب اختصاص بدهند. چون همه شاعران دوست دارند کتاب‌هایشان را به رهبر بدهند و به نظر من اهمیت این کار کمتر از شعرخوانی نیست. چون ایشان آنجا با شاعر صحبت می‌کنند و کتاب را ورق می‌زنند. شعرا هم دوست دارند کارشان دیده شود. در این جلسه اهدای کتاب شاعران به رهبر نیم ساعت قبل از نماز شروع شد و به همین خاطر ازدحام و شلوغی به وجود آمد. فرمایش‌های رهبری درباره مسائل روز ادبیات خیلی جالب و شنیدنی و صریح و بی‌پرده بود. در مورد آسیب‌هایی که به زبان و ادبیات فارسی وارد شده است و در حال وارد شدن است خیلی جدی صحبت کردند. همچنین درباره عملکرد صدا و سیما ابراز نگرانی و گله کردند و گفتند متأسفانه در صدا و سیما به مسئله زبان و ادبیات فارسی دقت نمی‌کنند. به ترانه‌های معمول فضای اجتماعی کشور هم اشاره کردند و خواستند از سطحی‌نگری در شعر پرهیز شود و متن ترانه‌ها آگاهانه‌تر باشد. فرمودند کارها را گوش و پیگیری می‌کنند و حتی به صورت مستقیم به بعضی از ترانه‌ها که در عنوان‌بندی پایانی سریال‌ها خوانده می‌شود اشاره کردند و از مرحوم سبزواری برای سرودن شعرهایی که سرودهای خوب انقلابی شدند یاد کردند. نکته‌ای که بعد از این جلسه و سخنرانی ایشان برای خود من دغدغه شد، تأکیدشان بر حکمت در شعر بود که برای نمونه فردوسی را مثال زدند. خود من در حال فکر کردن به این موضوع هستم. نکته قابل تأمل این است که چیزی که در روح بشر رسوخ می‌کند حکمت است.

● مصطفی محدثی خراسانی: بهترین جلسه‌ای بود که به یاد دارم

حدود ۱۵ سال می‌شود که در این جلسات شرکت می‌کنم. می‌توانم بگویم جلسه امسال بهترین جلسه‌ای بود که به یاد دارم، هم به لحاظ اینکه حضور جوان‌ها و شعرخوانی‌شان غلبه داشت و هم شعرهای خوب و درخشانی که خوانده شد. به نظرم فضای جلسه هم صمیمی‌تر بود. بعضی سال‌ها من جزو شورای انتخاب بوده‌ام. در مجموع تلاش می‌شود که هم کسانی که پیش از این توفیق حضور نداشته‌اند به این جلسه راه پیدا کنند و هم این دعوت به گونه‌ای باشد که سطح کیفی جلسه و شعرهایی که خوانده می‌شود در اوج باشد و تنزل پیدا نکند. وقتی مجموعه‌ای این ۲ هدف را بخواهد انجام بدهد کار دشوار می‌شود و ممکن است سبب به وجود آمدن حرف و حدیث‌هایی شود. این بحث‌ها همواره بوده است. در نهایت کسانی که شرکت می‌کنند عده‌ای از پیش‌کسوت‌ها و شخصیت‌های فعال حوزه شعر انقلاب هستند که این‌ها معمولا ثابت‌اند و دعوت می‌شوند. بقیه هم براساس آثاری که ارسال می‌کنند یا رتبه‌ها و جوایزی که در طول سال در جشنواره‌های مختلف به دست می‌آورند و مطرح می‌شوند، در نهایت شورای انتخاب آثارشان را بررسی می‌کند و کسانی که امکان حضورشان هست، انتخاب می‌شوند. شرکت در جلسه رهبر انقلاب با آن همه مشغله و مسئولیت و رسالت‌های سنگین سیاسی و اجتماعی و تاریخی که بر دوش دارند، ما را با جلوه دیگری از شخصیتشان روبه‌رو می‌کند. چهره‌ای که از ایشان در این جلسه می‌بینیم مثل یک ادیب حرفه‌ای است، کسی که استخوان‌خردکرده انجمن‌های ادبی است، مانند یک جلسه‌گردان حرفه‌ای انجمن ادبی با تیزبینی و موشکافی و حاضرجوابی‌هایی که خاص حرفه‌ای‌های انجمن‌های ادبی است. دیدن این بخش از شخصیت ایشان قطعا برای همه خوشایند و هم موجب نوعی اعجاب و حیرت می‌شود. بر همه این‌ها بیفزایید صفا و صمیمیت و مهربانی حاکم بر جلسه را. این موارد این نشست را برای کسی که حضور دارد متفاوت می‌کند. صحبت‌های رهبر معظم انقلاب هم همواره جالب بوده است. ایشان معمولا سرفصل‌هایی را در حوزه شعر و ادبیات مطرح می‌کنند که لازم است به آن‌ها توجه شود و می‌تواند در گفتمان حوزه ادبیات و انقلاب برای فعالیت‌ها سرمشق و راهبرد باشد.

● عاطفه جعفری: بغض اجازه نداد عرض ارادت کنیم

برای من دیدار رهبر و زیارت ایشان و اینکه از برکت نفسشان استفاده کنیم آرزو بود. هرچند این شب از نظر رسانه‌ای هم قابل توجه است. تنها شب شعری است که رسانه به طور کامل به آن توجه دارد و مردم هم می‌بینند. کسانی را می‌شناسم که اهل شعر نیستند ولی منتظرند شب شعر نیمه رمضان را ببینند. شاید بتوانم بگویم کسانی هم که می‌آیند مشکلی برای شعر خواندن و نخواندن ندارند. هرچه هست به عشق حضور در این جلسه است. قبل از نماز رسیدیم خدمت آقا و موقعیتی شد که ابراز دلتنگی کنیم، اما بغض اجازه نداد آن‌طور که باید عرض ارادت کنیم.

امسال بر خلاف همیشه شاعران جوان‌تر خیلی بیشتر شعر خواندند. حتی شاعرانی بودند که خیلی از ما که در جشنواره‌ها یا محافل حضور داریم آن‌ها را نمی‌شناختیم. فکر می‌کنم این هم به این خاطر بود که حوزه هنری تهران ایمیلی منتشر کرده بود و این نشانی تنها مسیری بود که می‌شد شعر را به دست هیئت داوری رساند. به نظرم امسال داوری و جمع‌آوری اشعار به شکل دیگری اتفاق افتاد. امسال همه در حالت مساوات قرار داشتند و البته هیئت داوران با نگاه خودشان شعرها را انتخاب کرده بودند که در همه زمینه‌ها و مضمون‌ها بود. شعر اهل‌بیت(ع)، شعر عاشقانه، شعر طنز، شعر اجتماعی و ... ولی در جلسه همان شعری که انتخاب می‌شود باید خوانده شود.

من یک مهاجر افغانستانی هستم و دوست داشتم شعری را بخوانم که برای وطنم سروده‌ام اما به هر حال، هیئت داوری که اشعار را بازبینی می‌کنند تشخیص داده بودند هر کسی چه شعری بخواند. شعری که خواندم از نظر کیفی شعر خوبم نبود، هرچند برای شهدای فاطمیون بود و من با ارادت و علاقه‌ای که به شهدا داشتم آن را سروده بودم.

سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با شاعران

- ما باید حرمت زبان فارسی را حفظ کنیم و اجازه نداریم با بی‌مبالاتی آن را به دست فلان ترانه‌سرای بی‌هنر بدهیم که الفاظ را خراب کند و بعد نیز با پول بیت‌المال در صداوسیما و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پخش شود.
- اشعار بزرگان شعر فارسی آکنده از اخلاق، تعلیم، تعهد، حکمت، عرفان، معنویت و اسلام ناب است. بنابراین تفکیک جنبه هنری شعر از جنبه رسالت و تعهد آن، مغالطه‌ای واضح و ناشی از غفلت یا کم‌سوادی است.
- حفظ هویت ملت بسیار مهم است چرا که ملتی که هویت خود را از دست بدهد در مشت بیگانگان گم می‌شود و از بین می‌رود.
- راجع به زبان فارسی بنده نگرانم. من از صداوسیما گله‌مندم. به جای اینکه زبان صحیح و معیار را ترویج کند، زبان بی‌هویت را ترویج می‌کند. وقتی یک مجری یک تعبیر فرنگی را در صداوسیما تکرار می‌کند، موجب آلوده شدن زبان به زوائد مضر می‌شود. ما داریم مفت زبان خودمان را آلوده می‌کنیم. نگذارید زبان فارسی دچار فرسودگی و ویرانی شود.
- در شعرهایتان از زیبایی‌های رفتار ملت ایران تمجید کنید. رفتار ملت ما در قضیه سیل شمال و جنوب بسیار زیبا بود. آن‌ها که مطلع هستند می‌دانند که چه شکوه و حماسه زیبایی مردم آفریدند. وقتی این‌ها را در شعر می‌آورید، شعر شما می‌شود پرچم هویت.

گزارش

«قره‌خان» زیر پای گلستان را خالی کرد

بازار کتاب مشهد با یک طرح جدید اقتصادی جان می‌گیرد

مریم قاسمی| تعطیلی بازار کتاب گلستان موضوع تازه‌ای نیست. یک سال پیش برای نخستین بار این موضوع مطرح شد و جامعه فرهنگی کتاب را نگران کرد. آن‌زمان سازمان آتش‌نشانی درباره عبور کال قره‌خان از زیر این بازار و نشست زمین در بخش‌هایی از آن هشدار داده بود. سپس، بازسازی یک‌طرف بازار که به خاطر نشست نگرانی ایجاد کرده بود به طور جدی پیگیری شد. روزنامه شهرآرا هم با تهیه گزارشی با عنوان «گذر از گلستان فرهنگ» به‌طور مفصل به این موضوع پرداخت. در این گزارش، مردم و اعضای بازار گلستان با اظهار نگرانی از احتمال تعطیلی این راسته فروش کتاب خواستار سرپناه‌داشتن آن شده بودند اما حالا بحث جدی‌تر از این حرف‌هاست. احتمال نشست در برخی بخش‌های بازار جدی شده است و برای رفع خطرات آن نیاز به اقدامات فوری است. بالاخره پس از هشدارهای پیاپی شهرداری طی دو سال گذشته برای تامین ایمنی بازار کتاب گلستان و شروع عملیات عمرانی مرتبط با آن، صبح روز گذشته یک مأمور دادگستری به تک‌تک مغازه‌ها سر زده و حکم تخلیه را تحویلشان داده است، حکمی که بر پایه آن کسانی که این مغازه‌ها را تحویل گرفته‌اند ۳ روز مهلت دارند آن را تخلیه کنند.

● در دوره اخیر: هر روز یک اخطار!

مرد کتاب‌فروش حال و حوصله حرف زدن ندارد اما جعبه کتاب را که به انتهای جای بار وانت هل می‌دهد به مغازه برمی‌گردد و روی صندلی می‌نشیند تا ماجرا را توضیح دهد. از میان دسته‌دسته کتاب‌های بسته‌بندی‌شده درون مغازه عبور می‌کنیم تا جایی برای ایستادن بیابیم. مرد هر دسته کتاب را که آماده بار زدن می‌کند یک تماس تلفنی هم می‌گیرد. دنبال جایی می‌گردد که بتواند ۳ روزه کتاب‌هایش را به آنجا منتقل کند. می‌گوید همه‌شان در خانه‌ام جا نمی‌شوند. لطفی از سال ۹۰ به این بازار آمده است، بازاری که ابتدا زیر نظر «تعاونی ناشران خراسان رضوی» بود و بعد از آن «سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری مشهد» مدیریتش را بر عهده گرفت. مرد با لحنی خسته می‌گوید که بازار اکنون زیر نظر «سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری مشهد» است. به عقیده او، بهترین دوران بازار مربوط به زمانی می‌شود که تحت مدیریت سازمان میادین بود. به گفته او، خریداری مغازه‌های ورودی بازار و بازگشایی محوطه بیرونی مهم‌ترین کاری بود که آن سازمان انجام داد و باعث شد بازار کتاب کم‌کم جای خود را باز کند و جا بیفتد. این کتاب‌فروش برگه ابلاغیه تخلیه را در دست می‌گیرد و می‌گوید: از وقتی این بازار دست سازمان فرهنگی افتاده هر روز یک تصمیم و یک اخطار برایمان آمده است.

● تازه امیدوار شده بودیم

«یک سالی سر این موضوع بحث بود اما هیچ‌وقت تصمیمی قطعی برای تخلیه گرفته نشده بود. اولین بحث‌ها مربوط به نظر سازمان آتش‌نشانی می‌شود که بازار را به خاطر عبور کال آبی قره‌خان از زیر آن ناامن دانسته بود. ما آماده بودیم به هر نحوی شده همکاری کنیم تا مسئله حل شود اما حالا حرف‌های دیگری می‌شنویم. حرف از مناقصه و بهره‌برداری‌های اقتصادی است. می‌گویند مناقصه‌ای برگزار شده و بر اساس آن بازار به یک سرمایه‌گذار تحویل داده شده است تا کارهای فرهنگی انجام دهد. مگر ما کار فرهنگی انجام نمی‌دهیم؟» لطفی ادامه می‌دهد: این بازار تازه داشت جا می‌افتاد. کتاب‌فروش‌ها خون دل زیادی خوردند و بعد از گشایش محوطه بیرونی و رفع مسدود بودن ورودی بازار به خاطر ایستگاه اضطراری قطار شهری و پارکینگ محوطه بیرونی، بازار کتاب به آرامش نسبی رسیده و جایگاه خود را به دست آورده بود. اکنون که در حال رونق گرفتن است نباید آن را به کلی تعطیل کرد و همه‌چیز را به هم زد.

او یادآور می‌شود: اکنون مهم‌ترین دغدغه‌ام این است که کتاب‌ها را کجا جا بدهم. خود من دست‌کم به اندازه ۲۰ وانت کتاب دارم. چقدر هزینه بدهم تا بتوانم یک انبار کرایه کنم؟ همه این کارها را چطور در ۳ روز انجام دهم؟

به گفته لطفی، اعضای بازار کتاب تازه به حرف‌های مسئولان امیدوار شده بودند: در جلساتی که داشتیم، حرف از سرقفلی و این چیزها پیش آمده بود و ما داشتیم برای این کارها برنامه‌ریزی می‌کردیم اما یکدفعه ابلاغیه تخلیه را آوردند. همین حالا چند تا از همکاران که در حال تخلیه هستند به کلی شغل کتاب‌فروشی را کنار گذاشته‌اند.

● ۳ روزه گنجشک هم لانه پیدا نمی‌کند!

در راسته بازار گلستان سکوت غمباری لانه کرده است. متصدی تایپ و تکثیر بازار غمگین‌تر از این سکوت به نظر می‌رسد. او جلو یکی از ستون‌های این راسته نشسته و با تکه‌سنگ ریزی که در دست دارد روی زمین چیزهایی ترسیم می‌کند: نمی‌دانم کجای این شهر می‌توانم مغازه‌ای با نرخ فرهنگی پیدا کنم. حتی مغازه‌هایی هم که خود سازمان فرهنگی در خیابان صاحب‌الزمان(عج) پیشنهاد کرده نرخ کرایه‌شان اقتصادی است. بگذریم از اینکه آنجا اصلا جا نیفتاده است. کتابفروش دیگر از قیمت بالای مغازه‌های جدید می‌گوید که سرش را به درد آورده است: همه آنچه به ما گفته‌اند، بهانه است چون ما به‌جای چای و قهوه کتاب می‌فروشیم می‌گویند کار فرهنگی نمی‌کنیم! کنایه‌اش به کافه‌های بازار است که چند ماهی از قراردادشان مانده و ظاهرا با آن‌ها تعاملاتی هم برقرار شده است: درست است که آن‌ها کار فرهنگی هم می‌کنند اما منِ کتاب‌فروش کارم کتاب‌فروشی است. چه کاری باید انجام دهم که فرهنگی باشد؟ میرعلی‌زاده ادامه می‌دهد: می‌گویند بروید به فلان مجتمع تجاری در خیابان صاحب‌الزمان (عج). آخر ۳ روزه گنجشک هم نمی‌تواند برای خودش آشیانه‌ای پیدا کند!

● بازار کتاب جدیدی تأسیس خواهد شد

به سراغ معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد می‌رویم که ابلاغیه‌های اخطار توی فروشگاه‌ها با پیگیری جدی او به دست کتاب‌فروشان رسیده است. محمد مدرسی در ابتدای صحبت‌هایش بحث ایمنی را پیش می‌کشد و اخطارهایی که سازمان آتش‌نشانی داده تا بازار کتاب هرچه سریع‌تر بازسازی شود: به دلیل هشدارهایی که برای بازسازی این مکان داده شده است نمی‌توان فعالیت بازار کتاب را در این مکان ادامه داد. از این رو، همه اعضایی که قراردادشان تمام شده است باید مکان را تخلیه کنند. از آنجا که هزینه این بازسازی زیاد است و سازمان فرهنگی-تفریحی از عهده آن برنمی‌آید، بخش خصوصی را وارد کار کرده‌ایم که یک شرکت سرمایه‌گذاری است و در ازای هزینه‌ای که برای بازسازی بازار می‌کند، می‌تواند از آن بهره‌برداری اقتصادی کند.

مدرسی در پاسخ به این انتقاد که بهره‌برداری اقتصادی شرکت خصوصی قطعا بازار کتاب مشهد را تعطیل خواهد کرد می‌گوید: در قراردادی که با این شرکت داریم به توافق رسیده‌ایم این بهره‌برداری با رویکرد فرهنگی باشد. او اطمینان می‌دهد رویداد فرهنگی‌ای که پس از بازسازی بازار اتفاق می‌افتد با محوریت کتاب خواهد بود.

او همچنین در پاسخ به این سؤال که چه نوع فعالیت فرهنگی با رویکرد کتاب می‌تواند بازگشت مالی شرکت سرمایه‌گذاری را تضمین کند و اگر این امکان وجود دارد چرا این تعامل با همین کتاب‌فروشان کنونی بازار صورت نمی‌پذیرد بیان می‌کند: متأسفانه افرادی که در بازار کتاب فعالیت می‌کنند اتحاد و هم‌بستگی ندارند. آن‌ها می‌توانستند تاکنون با تشکیل هیئت مدیره‌ای قوی بسیاری از مشکلاتشان را رفع کنند، اما به‌هیچ‌وجه مشارکت نداشتند. حتی برخی از آن‌ها تا ۳۰ میلیون تومان بدهی دارند. بنابراین نمی‌شود روی تعامل با کتاب‌فروشان مدنظر حساب کرد. با این حال، به طور مثال، با کافه کتاب آفتاب و کافه‌زبان که هنوز قراردادشان تمام نشده تعامل شده است؛ یعنی ما از سرمایه‌گذار خواستیم با آن‌ها راه بیاید چون در کنار کار فرهنگی، کارشان بازگشت مالی هم دارد.

معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد اظهار می‌کند: با همه این‌ها ما به این دوستان مکان دیگری را پیشنهاد کردیم تا با استقرار در آنجا بازار کتاب دیگری در مشهد ایجاد شود اما آن‌ها نپذیرفتند. همین حالا هم در حال رایزنی هستیم تا بازار کتاب دیگری در مشهد تأسیس کنیم.

به گفته مدیرعامل انتشارات به‌نشر، «آبی‌ها» تازه‌ترین رمان سعید تشکری، نویسنده مشهدی، به زبان عربی ترجمه خواهد شد. این رمان رضوی داستان پزشکی را روایت می‌کند که به دنبال گوهر کامل معاصر خویش است و دیگر نمی‌خواهد در پستوی قدرت راهبان بماند.

کتاب‌خوان

نشانه‌ها همیشه همان نیستند که می‌بینید

زوزنی| برخورد انسان با «نشانه»ها در روزگاری که رسانه‌های متعدد ظهور کرده‌اند برخوردی پیوسته است. کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال خواه‌ناخواه به طور مرتب از نشانه‌ها در ارسال پیام خود به مخاطب بهره می‌جویند. نشانه‌ها را می‌توان علائمی برشمرد که به طور پیدا یا پنهان یک نویسنده کتاب، طراح گرافیک، عکاس، برنامه‌ساز و جز این‌ها برای انتقال مفهومی که در نظر دارد از آن استفاده می‌کند. گاهی این نشانه‌گذاری‌ها بر ضمیر ناخودآگاه مخاطب تأثیر دارد.

«این بدان معناست آن بدین معنا؛ درآمدی مصور بر نشانه‌شناسی»، نوشته شان هال، یکی از تازه‌ترین کتاب‌های انتشارات «ترانه» است و به همین مقوله نشانه‌شناسی پرداخته است.

● تنها از یک زاویه نبینید

در برخورد نخست، آنچه توجه مخاطب را به این کتاب در میان همه کتاب‌های نظری در این حوزه جلب خواهد کرد مصور بودن آن است. این ویژگی از این نظر جذاب است که برای هر فصل از کتاب و برای مباحثی که نویسنده مطرح کرده، تصاویری ارائه شده است و در کنار آن پرسش‌هایی آمده است که مخاطب می‌تواند پیش از مطالعه هر بحث فرضیات خود را درباره تصویر مربوط از ذهن بگذراند و بعد از مطالعه آن بخش، به سطح درک خود از نشانه‌های موجود در تصویر پی ببرد. این کتاب به‌تفکیک، مفاهیم پایه‌ای نشانه‌شناسی را از رهگذر انواع و اقسام اشیا، تصاویر و متون گذرانده و مورد کندوکاو قرار داده است. خواننده «این بدان معناست آن بدین معنا» کمی که در مطالعه کتاب پیش رفت به این نگاه دست خواهد یافت که شان هال، نویسنده آن، به دنبال شناساندن نشانه‌های موجود در تصاویر ارائه‌شده نیست بلکه تلاش دارد در ۸ فصل کتاب خود به خواننده جسارت بدهد نشانه‌ها را تنها از یک زاویه نبیند.

● حس دوگانه در نشانه‌شناسی

در خلال مطالبی که در کتاب ارائه شده است، نویسنده مخاطب را با دیگرگونی‌هایی هم که در پیام اتفاق می‌افتد آشنا می‌کند. هال معتقد است همیشه پیامی که در گیرنده پیام دریافت می‌شود همانی نیست که فرستنده پیام مقصودش بوده است. از همین رو امکان اینکه نشانه‌های موجود در پیام نیز همانی نباشد که مقصود فرستنده بوده است محتمل است. برای نمونه، در یکی از فصول این کتاب با عنوان «مقصد» تصویری واقعی به چاپ رسیده است که فردی در حال تیراندازی به فرد دیگری است و همراه این تصویر این سؤال مطرح شده است که: «در مورد این تصویر چه احساسی دارید؟» ابتدا مخاطب برای مقتول احساس دلسوزی می‌کند و بعد از اینکه متن نویسنده را مطالعه کرد، درمی‌یابد مقتول لی هاروی اُزوالد، قاتل رئیس جمهور جان اف کندی، است. کمی که خواننده در مطالعه شرح عکس پیش می‌رود متوجه می‌شود که قاتلِ قاتلِ رئیس‌جمهور، جک رابی، گانگستر، جاسوس یا کلاش فرومایه‌ای بوده که صرفا بر پایه حسی از خشم اخلاقی به خود اجازه داده است ازوالد را با هفت‌تیرش تیرباران کند. از همین رو، مخاطب بعد از دریافت این اطلاعات دچار سردرگمی و حسی دوگانه می‌شود.

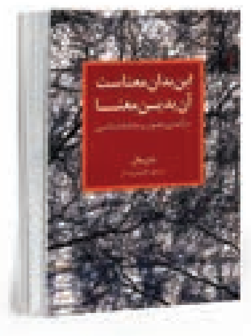

این کتاب را که در ۲۴۸ صفحه منتشر شده، مجتبی پردل به فارسی برگردانده است.

در باب اهمیت یک نشر

سینا خزیمه| گمانم می شود یا که باید از نشری نوشت که در برهوتِ نخواندن و نخریدنِ کتاب و گرانیِ کاغذ و معاشِ نه‌چندان روبه‌راهِ کسانِ فرهنگی، هنوز مؤمن به سلوکِ فرهنگیِ خویش است. گاه شرایطِ بیمار و بیماریِ شرایط، بسیاری ناشرها را از مشی‌ای که در آغاز در سر داشته‌اند، باز داشته است و لمس و دیدنِ چنین اتفاق‌ها، پافشاریِ نشرِ آوانوشت بر سلوکِ فرهنگیِ خود را ارزشمند جلوه می‌دهد. در شعر و داستان، نشر آوانوشت چیزها چاپ کرده است که مماس با خواننده خوگرفته به ابتذال و سطحی‌نگری نیست و این یعنی که خبری از معاشِ چاق‌وچله برای این نشر نیست؛ دغدغه‌ای فراتر از این، در کار است. من این دغدغه را چیزی جز این نمی‌دانسته‌ام تا به حال، که آوانوشت ارتقای سطح سلیقه نازلِ کتابخوانِ امروزی را در سر دارد و اینکه متنِ فارسیِ پاکیزه و قابل بهره‌مندی‌ای را به خوردِ کتابخوانِ تشنه واژه بدهد. چاپ کتاب‌های نویسنده غریب و کم‌شناخته‌ای چون کاظم تیناتهرانی — «آفتاب بی غروب» و «گذرگاه بی پایانی» — و کتاب‌های نویسنده‌ای مدرن و باز کم‌شناخته چون علیمراد فدایی نیا — «چهره‌ها»، «حکایت هیجدهم اردیبهشت بیست و پنج»، «سوغات»، «نامه شاهپور و آهوانش»، «عابر علف»، «برج‌های قدیمی» و «ضمایر» — در حوزه ادبیات داستانی ایران و نمایش‌نامه‌هایی با تألیفِ کسانی چون مرحوم رضا دانشور — «مسافر هیچ کجا»، «ساندویچ مخلوط» و «شاهزاده و اژدها» — و ترجمه بهمن محصص از «صندلی‌ها»ی اوژن یونسکو و ترجمه‌های م. طاهرنوکنده از بسیاری نویسنده‌ها چون جووانی ورگا (یک محاکمه)، چزاره پاوزه (زن ستیزی)، کارلو کاسولا (کشف جویس)، بپه فنولیو (اتوره سر کار می‌رود) و یا ترجمه پوران صلح کل از یوگنی یوتوشنکو (ایستگاه زیما) در حوزه ادبیات داستانی غرب و در حوزه شعر، چاپ اشعار شاعران مدرنی چون احمدرضا احمدی — «ما روی زمین هستیم»، «وقت خوب مصائب»، «من فقط سفیدی اسب را گریستم» و «نثرهای یومیه» — و مجید نفیسی — «جیرجیرک و شش شعر بلند دیگر»، «بدرود و شعرهای کوتاه دیگر» - و شاعران دیگری چون مانی پارسا (صور، نام گریز و شعرهای دیگری) و محمدعلی قیصرنیا (لغت پررنگ و قرائت‌های جسمانی) و شهرام محمدی (پیچیده به عطری محفوظ) و یارمحمد اسدپور (این گلو تاریک از صدای دنیاست) و همین طور کتاب بسیار خوبی از نیما یوشیج و شین پرتو — از پیامبران مدرنیزم ادبی معاصر — به نام «دو نامه و پنج دفتر شعر از شین پرتو» نشان از سلیقه و پافشاری‌ای دارد که به جای معاش و بهره مندی از سود مادی که در این دوران، همگان در پیِ آن‌اند، در فکرِ دادنِ خوراک فرهنگیِ سالم و متن‌های پاکیزه به ذهن و جانِ کتابخوانِ ایرانی است. شاید همه چیز از آن مجلّه-کتابی شروع شد که اوایل دهه هشتاد آقای طاهرنوکنده چاپ آن را در ۷ شماره آغاز کرد: «این شماره با تأخیر». در این مجله هیچ متنی جدا از آهنگِ روشن‌فکرانه‌ای که طاهرنوکنده در سر داشت، به چاپ نرسید. در شعر و داستان آثار کسانی به چاپ رسید که هم‌آهنگِ این سلیقه پاکیزه بودند. خیلی ها برای اول بار آثار بیژن الهی را آنجا دیدند.

از دل آن ۷ شماره که شماره هشتمش را نیز پارسال نشر نیلوفر چاپ کرد، آوانوشت کتاب‌ها درآورد که نام بعضی‌اش ذکر شد و بعضی‌اش هم نه، مثلِ کتابِ «دو گفتار» از مرحوم محسنِ صبا که ۲ جستارِ خواندنیِ او بود به نام‌های «چل سال رفت و بیش» و «دو جلال» که قبل‌تر در «این شماره با تأخیر» به چاپ رسیده بود. آنچه از براندازکردنِ سیاق و سلیقه نشر آوانوشت — آقای م طاهرنوکنده و خانم مژده طاهرنوکنده- و قبل‌تر نشریه این شماره با تأخیر، حاصل شد، این بود که در نمایشگاهِ امسالِ کتاب تهران، با تمام مشغله‌هایی که مجالِ یک ثانیه بودن برای خود را نمی‌داد، راهروهای شلوغ را ادامه گرفتیم و از لابه‌لای تن‌ها، «آوانوشت» را سراغ گرفتیم و کتاب‌های جدید را خواستیم. از کاستی‌ها و پلشتی‌ها در حوزه نشر و چاپ کتاب، بارها و بارها سخن گفته‌اند و نوشته‌اند، چرا پس نباید یک بار هم که شده است از پاکیزگی و درستی و دغدغه‌مندیِ نشری مهجور اما قوی و خوش‌سیاق گفت و نوشت؟ آوانوشتی که چون شاخه‌ای که زیر بهمن شکسته باشد، باید دوستش داشت.